



Examining the objectives of Pakistan's official education system from the perspective of Quranic teachings *



Ghulam Jabir Mohammadi ^۱

Abstract

In this article, the aims of education in the Quran and the formal education system of Pakistan were studied. These goals, according to Pakistan's education scientists, are divided into different types. The Research seeks to express the ultimate goal of education from the Quran and then from the perspective of this system and divides the intermediate goals that can be the prelude to the ultimate goal into two individual and social categories. From the perspective of the Quran and the official Pakistani system, these goals have been investigated and it has been concluded that some of the goals stated in the official system have not been documented in the Quran. But the ultimate goal of this official system was in the words of its founder, Mohammad Ali Jinnah, in his speeches. Divine piety and the like are also expressed.

Keywords: Purpose, Quran, Education and Nurturing, Pakistan

*. Date of receiving: April ۱۰, ۲۰۲۲, Date of approval: October ۸, ۲۰۲۲.

^۱. Assistant Professor, Al-Mustafa International University, Qom iran;
(muhammadi۲۰۰۶@gmail.com).



بررسی اهداف نظام تعلیم و تربیت رسمی پاکستان از منظر آموزه‌های قرآنی*

غلام جابر محمدی^۱



چکیده

در این نوشتار اهداف تعلیم و تربیت از منظر قرآن و نظام تعلیم و تربیت رسمی پاکستان مورد بررسی قرار گرفت. این اهداف از نظر دانشمندان نظام تعلیم و تربیت پاکستان به گونه‌های مختلفی تقسیم‌بندی شده‌اند. پژوهش در این صدد است که هدف نهایی تعلیم و تربیت از منظر این نظام و سپس مستندات آن از قرآن بیان شود و اهداف واسطه‌ای که می‌تواند مقدمه‌ای برای هدف نهایی قرار گیرند را به دو قسم فردی یا جزئی و اجتماعی تقسیم کرد. از منظر قرآن و نظام رسمی پاکستان این اهداف مورد تحقیق قرار گرفته و این نتیجه به دست آمد که برخی اهداف بیان شده در این نظام رسمی مستنداتی از قرآن نداشته است، ولی هدف نهایی این نظام رسمی با توجه به شعاری که بنیانگذار این کشور آقای محمدعلی جناح در سخنان خویش بیان داشته حاکمیت الهی و لا اله الا الله بوده است. اگرچه در سندهای بالادستی و سپس متون درسی معتبر نظام رسمی کشور اهدافی همچون تزکیه نفس، تعمیر کردار، تقوای الهی و غیره نیز بیان شده است.

واژگان کلیدی: هدف، قرآن، تعلیم و تربیت، پاکستان، نظام.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۱ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۷/۱۶.
۱. استادیار، جامعه المصطفی العالمية؛ قم، ایران (از کشور پاکستان) (muhammadi2006@gmail.com)



مقدمه

انسان هر عملی را که انجام می‌دهد در آن حتماً به دنبال یک هدفی هست؛ مانند هر مسافری که حتماً یک جایی را برای خودش هدف قرار می‌دهد. همین طور تعلیم و تربیت نیز یک کار هدفمند است و هیچ جامعه‌ای نیست که بخش زیادی از درآمد را و نیروی کاری زیادی را برای یک کاری مصرف کند که هدفی نداشته باشد. لذا تعیین هدف برای تعلیم و تربیت مانند افعال دیگر هر شخص عاقل باید هدف یا اهدافی داشته باشد.

هر جامعه‌ای برای خودش اهداف خاصی را مدنظر قرار می‌دهد؛ مثلاً مواظبت نسل و جامعه، حفاظت از میراث فرهنگی خود، دوام بخشیدن رسومات تمدنی خویش و غیره. تعلیم و تربیت ابزاری است که به وسیله آن می‌توان از جامعه خود مواظبت کرد، ارزش‌های ملی خود را به دیگران معرفی کرد و آن‌ها را به نسل‌های آینده انتقال داد. جامعه هر اندازه‌ای که وحشی و بی‌فرهنگ باشد هیچ‌گاه از این اهداف چشم‌پوشی نمی‌کند و برای این کار حتماً تعلیم و تربیت را دنبال می‌کند. ممکن است این تعلیم و تربیت رسمی و منظم نباشد، اگرچه نتایجی که یک نظام تعلیم و تربیت رسمی می‌تواند برای یک جامعه به ارمغان بیاورد به صورت غیررسمی نمی‌توان به آنها دست یافت.

اداره جات و مراکز رسمی تعلیم و تربیت چون درکار خویش مهارت دارند و از افراد ماهر و متخصص استفاده می‌کنند لذا هیچگاه قابل قیاس با اداره جات غیررسمی نیستند. لذا نظام تعلیم و تربیت رسمی دنبال پرورش دادن شهروندانی است که فردا عنان قدرت را به دست گرفته جامعه را به طرف جلو حرکت دهند و بدین صورت می‌توان بین فرد و جامعه هماهنگی ایجاد کرد. اگر کسی در نظام تعلیم و تربیت این گونه اهداف را ترسیم کرده پیش برود مانند مسافری هست که مقصد او تعیین شده است و با علم و آگاهی به طرف آن سفر می‌کند. از این بیان می‌توان ضرورت داشتن هدف برای یک نظام را به دست آورد.

نوشتار حاضر دنبال پیدا کردن اهدافی است که در نظام تعلیم و تربیت رسمی پاکستان مدنظر قرار گرفته است، چون شناخت کارایی یک نظام بستگی به اهداف آن دارد. هنگامی که این اهداف به دست آمد سپس باید از منظر آیات قرآن سنجیده شود که تا چه حد این اهداف با آموزه‌های قرآنی مطابقت داشته‌اند.

نکته دیگری که بسیار حائز اهمیت است روش شناسی این اهداف از نظام تعلیم و تربیت رسمی پاکستان است، در این بخش از اسنادی که درباره این نظام به دست رسیده و منابعی که به صورت کتاب یا مقاله در دسترس است مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

تعریف هدف

هدف در لغت، به معنای هر چیز مرتفع مانند ساختمان، تپه و کوه به کار رفته و گویا غرض یا همان نشانه تیراندازی، نیز از این جهت که در ارتفاع قرار داده می‌شده، هدف نامیده شده است. به هر حال هدف مطابق یک معنا، همان غرض است (الجوهري، الصحاح: ۴/ ۱۴۴۲، فراهیدی، کتاب العین، بی‌تا: ۴/ ۲۸. دهخدا، لغت‌نامه، ذیل کلمه هدف).

تعریف اصطلاحی

هدف، قصد و غایت، واژه‌هایی مترادف و دربردارنده مفهوم نهایت و سرانجام کاری است. البته با این تفاوت که گاه نهایت، امری عینی و خارجی است؛ مانند هدف در تیراندازی که به آن هدف تیراندازی می‌گویند و گاه، امری ذهنی یا وجدانی است؛ مانند احساس لذت از بوییدن گل که به آن قصد، غرض، انگیزه و شوق گفته می‌شود (اعرافی، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۳۹۱: ۲). با توجه به این هدف یعنی نهایت و سرانجام کاری که فرد در فعل خودش مدنظر قرار می‌دهد.

هدف تعلیم و تربیت

تعریف تعلیم

در زبان عربی، تعلیم از باب تفعیل و ماده علم یعلم، به معنای آموزش دادن و یاد دادن است (فراهیدی، کتاب العین، بی تا: ۱۵۲/۲، واژه علم) و در زبان فارسی نیز به همان معنا به کار می‌رود (عمید، فرهنگ عمید: ۱۳۷۱) (واژه تعلیم به معنای یاد دادن علم یا هنری را به کسی، آموختن چیزی به کسی و آموزش است)؛ پس تعلیم به معنای آموزش و یاد دادن است؛ چنان‌که «تعلیم» نیز به معنای یادگرفتن است. در معنای این واژه مفهوم «تکرار کردن» و «تدریجی بودن» نیز نهفته است؛ چنان‌که راغب اصفهانی می‌گوید: تعلیم آگاهی دادن و تنبیه یا هشدار به نفس آدمی است برای تصوّر معانی (راغب اصفهانی، ترجمه و تحقیق مفردات القرآن، ۱۹۹۲: ۶۳۶/۲).

تعریف تربیت

فراهیدی در مورد معنای لغوی این واژه قائل است که ریشه آن به معنای زیادت هست به عنوان نمونه وقتی گفته می‌شود: «رَبَّ الْجَرَحِ وَالْأَرْضِ وَالْمَالِ وَكُلِّ شَيْءٍ يَرْبُو رَبُّوًّا» هنگامی است که بدان افزوده شود و بیش از این مطلبی را بیان نمی‌کند (فراهیدی، العین، بی تا: ۲۸۴/۸).

راغب اصفهانی در کتاب مفردات ألفاظ القرآن در معنای این لغت همان سخن العین را آورده است و در کنار آن به بیان قولی نیز قائل شده است که اصل این کلمه از (رب) می‌داند که یک حرف آن برای تخفیف در لفظ به حرف (ی) تبدیل شده است (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۹۹۲: ۳۴۰).

تعریف اصطلاحی تربیت

عملی که قوای جسمانی، روانی و عقلی انسان را شکوفا ساخته تا آن قوا با نظام و سازمان ویژه‌ای با کمک از درون و به کوشش‌های او به میزان توانایی و استعدادهای خود رشد و پیشرفت (حجتی، اسلام و تعلیم و تربیت، ۱۳۸۵: ۱۰).

رفع موانع و ایجاد موقعیت برای آنکه استعدادهای انسان برای کمال مطلق شکوفا شود (دلشادتهرانی، سیری در تربیت اسلامی، ۱۳۸۰: ۲۴).



فرآیند اثرگذاری و اثرپذیری که میان مربی و متربی برای ایجاد صفتی یا تغییر و اصلاح در شخصیت متربی برقرار می‌شود (ضرابی، مجموعه مقالات تربیتی: ۵۷).

فراهم کردن زمینه‌ها برای اینکه استعدادها و نیروهای یک موجود رشد کند تا بتواند از این نیروها برای رسیدن به کمال خودش بهره‌مند شود (مصباح‌یزدی به نقل از: گروه نویسندگان، تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، ۱۳۸۸: ۲۸).

هدف تعلیم و تربیت

از آنجاکه تعلیم و تربیت فرایندی قابل برنامه‌ریزی است، امری اختیاری و قصدی و نیازمند در نظر گرفتن هدف یا اهدافی است. مقصود از هدف تعلیم و تربیت، نتیجه‌ای است که با انجام دادن رفتارهای مشخص و برنامه‌ریزی شده، حصول آن از دیدگاه صاحب‌نظران و برنامه‌ریزان و نه لزوماً از دیدگاه خود متعلمان و متربیان، مطلوب است؛ یعنی آنچه شایسته است که به‌عنوان امر مطلوب در برنامه‌های تعلیمی و تربیتی، در نظر گرفته شود و همه رفتارها و فعالیت‌های تعلیمی و تربیتی یا دسته‌ای از آنها برای دستیابی به آن صورت گیرد (مصباح‌یزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی: ۲۱۴).

انسان موجودی مرکب از روح و بدن است و انسانیت انسان به روح اوست. حقیقت وجودی انسان دارای مراتبی است و می‌تواند با انجام دادن افعال اختیاری در این مراتب صعود کند و به کمال برسد؛ اما دامنه کمال‌طلبی و کمال‌پذیری انسان که روحی جاویدان دارد و از قدرت تعقل برخوردار است، پایانی ندارد. از سوی دیگر، خداوند متعال کامل مطلق است و تنها اوست که واجد همه کمالات بی‌نهایت است. از این‌رو آنچه نهایتاً باید مصداق کمال‌نهایی انسان به حساب بیاید و هدف‌نهایی او قرار گیرد، عبارت است از قرب اختیاری به خداوند متعال، ولی رسیدن به این قرب چگونه باید صورت گیرد. قرآن کریم برای این راه‌هایی را پیشنهاد کرده است و این راه‌ها می‌تواند هدف تعلیم و تربیت در قرآن باشد تا بعد از رسیدن به این هدف تعلیم و تربیت انسان به آن هدف‌نهایی نائل آید.

و آن هدفی که برای تعلیم و تربیت قرآن می‌توان بیان کرد، د آشنایی و معرفت انسان با آفریننده‌اش و پی‌نهادن رابطه میان آن دو بر اساس ربانیت آفریدگار و عبودیت بنده است که قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ (انبیاء/ ۲۵)؛ «ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که: «معبودی جز من نیست؛ پس تنها مرا پرستش کنید.»

یا در جای دیگر می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات/ ۵۶)؛ «من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادت‌م کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند)!!»

پس می‌توان گفت که در دین اسلام اولین هدف آموزش و پرورش تربیت انسان مطیع و عبد خداوند متعال است و این هدف بر بقیه تمام اهداف حاکم است یا با عبارت بهتر در تعلیم و تربیت هدف همه اهداف انسان را به طرف پیروی و اطاعت و عبودیت الهی سوق دادن است.

اقسام اهداف

اولین هدف تعلیم و تربیت اسلامی انسان را به اطاعت الهی سوق دادن است و این هدف بر همه اهداف دیگر مقدم است؛ بلکه باید گفت هدف همه اهداف تعلیم و تربیت اسلامی انسان را به اطاعت الهی سوق دادن است، ولی دانشمندان مختلف اهداف تعلیم و تربیت را با نگاه‌های مختلفی تقسیم‌بندی کرده‌اند و همه این تقسیم‌بندی‌ها را می‌توان از آیات قرآنی استخراج کرد و به‌عنوان اهداف تعلیم و تربیت قرآن در نظر گرفت. برخی دانشمندان اهداف را به نهایی و غیرنهایی تقسیم کردند که هدف نهایی همان قرب پروردگار است و هدف غیرنهایی هر آن هدفی است که در راستای هدف نهایی قرار گیرد و سپس هدف غیرنهایی را به اهداف عام و خاص تقسیم کرده‌اند که اهداف عام را به هدفی گفته‌اند که نقطه مطلوب از مجموع همه رفتارهای تعلیمی و تربیتی را نشان می‌دهد؛ یعنی این هدف جهت‌گیری کلی تعلیم و تربیت از منظر اسلام را برای ما ترسیم می‌کند که خود این اهداف عام نیز به اهداف فردی و اجتماعی تقسیم می‌شوند و سپس هدف خاص را به اهداف طولی و عرضی تقسیم کردند که خود این اهداف طولی و عرضی نیز تقسیماتی دارند (مصباح یزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی: ۲۱۸).

آنچیزی که ما در این تحقیق درباره اهداف تعلیم و تربیت در نظام تعلیم و تربیت رسمی پاکستان بیان شده است دنبال می‌کنیم و شناسایی هدف نهایی و سپس اهداف خاص در این نظام است که عبارتند از اهداف فردی و اجتماعی. سپس مستندات این اهداف را از آیات قرآنی استخراج می‌کنیم و بررسی می‌کنیم و بالاخره انطباق و انحراف این اهداف را با آموزه‌های قرآنی بیان خواهیم کرد.

هدف نهایی در نظام تعلیم و تربیت رسمی پاکستان

بعد از جستجو در منابع مختلف تعلیم و تربیت رسمی پاکستان می‌توان هدف نهایی این نظام را بدین طریق معرفی کرد، یکی از محققان می‌نویسد: «همه جامعه بشری بر چند نظریه و مبانی اصیل بنا شده است که می‌توان آن را برای آن جامعه، نظریه حیات آن قلمداد کرد و این نظریه حیات را می‌توان از طریق تعلیم و تربیت به نسل‌های آینده منتقل کرد. فلسفه حیات برای هر جامعه‌ای نشانگر مبانی آن جامعه است و هر جامعه‌ای با هر فلسفه زندگی که دارد طبق همان اهداف تعلیم و تربیت آن جامعه نیز تعریف می‌شوند مثلاً یک جامعه‌ای که دنبال اغراض مادی است اهداف تعلیم و تربیت آن نیز به همان اغراض مادی خلاصه خواهند شد، ولی فلسفه زندگی ما چون فلسفه حیات اسلام است، لذا اهداف تعلیم و تربیت ما نیز طبق همین فلسفه تعیین خواهند شد، با توجه به این بیان، اهداف تعلیم و تربیت عقاید و اعمال اسلامی هستند.» (عقیله ظهور، علم‌التعلیم، بی‌تا: ۱۵۲).

چون تشکیل و قیام پاکستان به‌خاطر یک نظریه خاصی بوده که همه مسلمانان هنگام تشکیل پاکستان یک شعار داشتند و آن اینکه «پاکستان کا مطلب کیا. لااله الا الله» قیام پاکستان برای چه. لااله الا الله. همین کلمه اساس نظریه پاکستان بود و بانی پاکستان قائد اعظم محمدعلی جناح نیز هنگام تشکیل پاکستان هدف قیام این کشور را این‌گونه بیان کرد: «هدف ما برای قیام یک مملکت و کشور این است که سرزمینی باشد که در آن ما طبق ضابطه حیات، ارتقای فرهنگی و قوانین اسلامی را حاکم کنیم. لذا بر ما لازم است که مردم پاکستان را



به‌گونه‌ای آموزش دهیم که آنان از این هدف قیام پاکستان آگاه شوند که چرا این کشور به‌وجود آمده است؟ و هنگام تشکیل این کشور با چه مشکلاتی ما مواجه شدیم تا آنان بعد از احساس این مشکلات و مصائب و آلام، شهروندان کارآمد و در پیشرفت کشور نقش فعال داشته باشند.» (همان: ۱۵۵).

یکی از محققان برجسته تعلیم و تربیت پاکستان هدف اصلی تعلیم و تربیت را تزکیه نفس معرفی کرده می‌گوید: «در مبانی اسلامی تحصیل علم جدا از تربیت نیست و اهمیت هر دو یکسان است چون علم بنیاد ایمان و ایمان اساس تربیت است، ولی در دوران جدید آسیبی که به این مبنا وارد آمده است این است که رابطه این دو یعنی علم با سیرت و کردار را قطع کردند. علم مجرد و محض که در سیرت و کردار نقشی ندارد بدین خاطر است که وقتی این گونه نظام داشته باشیم تحصیل کردگان آن افرادی بی تربیت بیرون می‌آیند و بدبختانه این معضل کشورهای اسلامی را گرفتار خویش کرده است. فرهنگ بی خدا غالب شده و از آن طرف پیامدهای دوران غلامی انگلیسی‌ها ذهنیتی ایجاد کرده که نظام تعلیم و تربیت مسئولیتی که دارد آن را به درستی انجام نمی‌دهد تا افراد تحصیل کرده در قالب مطلوب اسلام تربیت شوند. قرآن کریم برای تعمیر سیره و رفتار انسان اصطلاح تزکیه نفس به کار برده است که تزکیه به معنای پاک کردن و رشد دادن است. با توجه به این می‌توان گفت که هدف تعلیم و تربیت این است که گرایش به عصیان الهی را کم رنگ کند و گرایش به تقوای الهی را تقویت کند.» (مسلم سجاده، اسلامی ریاست مین نظام تعلیم، ۱۹۹۶: ۳۷-۳۸).

مستندات و ارزیابی

سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا هدف نهایی را می‌توان از کتاب آسمانی شناخت؟ در پاسخ به پرسش فوق، نخست باید دید منظور از سؤال چیست؟ آیا منظور این است که عنوان کلی مطلوب نهایی را بشناسیم یا مصداقش را در ارتباط با عنوان کلی؟ تمام نظام‌های تربیتی، در این عقیده مشترک‌اند که باید یک مطلوب نهایی داشته باشند، ولی در تعیین مصداق آن باهم اختلاف دارند. تا آن اندازه که مربوط به کل نظام‌های تربیتی و اخلاقی می‌شود و قرآن هم به‌طورکلی از آن سخن می‌گوید، می‌توان گفت: این هدف نهایی همان چیزی است که بالفطره برای انسان مطلوب است و از آن به سعادت، فلاح، فوز و امثال آن تعبیر می‌کنیم و چون مطلوبیت آن ذاتی است، چون‌وچرا بردار نیست و نمی‌توان آن را به چیزی دیگر تعلیل و در پرتو مطلوبیت هدف دیگری توجیه کرد.

در قرآن به این نکته برمی‌خوریم که برای وادار کردن مردم به انجام کار خوب، تهذیب اخلاق و تزکیه نفس، آنان را این‌گونه بشارت داده و تشویقشان می‌کند که در اثر تزکیه و تهذیب، به فلاح و رستگاری می‌رسید، ولی نسبت به خود فلاح و رستگاری هیچ‌گاه تشویق و حتی مستقیماً امر نمی‌کند. بنابراین، در قرآن گرچه ما به تعبیر صریحی درباره هدف نهایی بر نمی‌خوریم که مثلاً بگوید: انسان یک مطلوب نهایی دارد و خواه‌ناخواه آن را دنبال می‌کند. انجام هر کاری را می‌شود با ذکر کار دیگری به‌عنوان هدف آن تعلیل و آن کار دیگر را نیز با ذکر هدف آن توجیه کرد. این تحلیل زنجیردار سرانجام به نقطه‌ای پایان می‌یابد و به جایی می‌رسیم که علت‌بردار نیست. قرآن نیز چنین مسیری را طی کرده و نهایتاً چنین مفاهیمی را که علت‌بردار و واسطه تأمین هدف دیگر

نیستند و با هدف نهایی منطبق می‌شوند مطرح می‌کند، مفاهیمی چون سعادت، صلاح، فوز و فلاح که خیلی به هم نزدیک هستند (مصباح یزدی، اخلاق در قرآن: ۱/ ۳۰).

در برخی آیات فلاح را هدف نهایی انسان مطرح کرده است که نمونه از این آیات عبارت‌اند از: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران/ ۲۰۰)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر مشکلات و هوس‌ها)، استقامت کنید! و در برابر دشمنان (نیز)، پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید!»

در این آیه راه رسیدن به فلاح و رستگاری را به صبر و تقوی الهی بیان کرده است. در آیه دیگر می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (حج/ ۷۷)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! رکوع کنید و سجود بجا آورید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار نیک انجام دهید، شاید رستگار شوید!»

در این آیه راه رسیدن به فلاح را به رکوع و سجود و عبادت و کار خیر منوط کرده است. و در آیه دیگر می‌فرماید: «وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (نور/ ۳۱)؛ «و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان تا رستگار شوید!»

در این آیه برای رستگار شدن مؤمنان به آنها دعوت به توبه کرده است و در آیه دیگری می‌فرماید: «فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (اعراف/ ۶۹)؛ «پس نعمت‌های خدا را به یادآورید، شاید رستگار شوید.»

و آیات دیگری که فلاح انسان را به امور متعددی منوط کرده‌اند، ولی در این همه آیات به یک هدف نهایی انسان پرداخته شده است که عبارت باشد از فلاح و رستگاری، چون درباره هدف نهایی دانشمندان می‌گویند که به هدفی، هدف نهایی گفته می‌شود که بر آن سؤال قطع شود؛ یعنی خودش مقصود بالذات باشد، نه برای حصول چیز دیگر به آن توجه شود و فلاح و رستگاری همین حالت را دارد که خودش مقصود است.

واژه فلاح دلالت مستقیم بر رستگاری دارد. صاحب کتاب التحقيق می‌نویسد: اصل در این ماده نجات از شرور و رسیدن به خیر و صلاح است که از آن در فارسی به پیروزی تعبیر می‌شود و به واسطه این دو قید از واژه‌هایی مانند نجات، ظفر و صلاح که لزوماً به معنای نیل و دسترسی به خیر نیستند و یا لزوماً مستلزم رسیدن به خیر از مسیر تعارض میان خیر و شر نیستند جدایی می‌شود (مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن: ۱۵۵/۹).

پس می‌توان نتیجه گرفت که هدف غایی انسان همان فلاح و رستگاری است که در چندین آیه کریمه هم به آن تأکید شده است. با توجه به بیانات بالا می‌توان نتیجه گرفت که در قرآن هدف نهایی انسان قرب الهی و کمال مطلق تعریف شده است که این هدف انسان است ولی هدف تعلیم و تربیت قرآن رساندن انسان به این هدف نهایی است و در نظام تعلیم و تربیت رسمی پاکستان اگرچه هدف نهایی انسان بیان نشده است، ولی هدف تعلیم و تربیت انسان به گونه‌ای بیان شده که عقاید و اعمال را طبق نظریه اسلام تعریف می‌کند که به گونه‌ای می‌توان این دو اهداف تعلیم و تربیت قرآن و نظام پاکستان را نزدیک هم دانست چون هر دو در راستای رسیدن به هدف نهایی تأکید می‌کنند و گویی اهداف میانی را تأکید می‌کنند.



اهداف فردی و جزئی تعلیم و تربیت

اهداف فردی و جزئی در نظام تعلیم و تربیت رسمی پاکستان

۱. شکوفایی استعداد

یکی از اهداف بسیار مهم و اساسی تعلیم و تربیت شکوفایی استعداد انسان است که در تعریف تربیت نیز این امر لحاظ شده است. هنگامی که این هدف را در نظام تعلیم و تربیت رسمی پاکستان جستجو می‌کنیم در منابع مختلف این هدف با عبارت‌های مختلفی دیده می‌شود.

یکی از اهداف مورد قبول دانشمندان این است که به‌وسیله تعلیم و تربیت استعدادها را در شکوفایی پیدا می‌کند، هدف تعلیم و تربیت اسلامی نیز جز این نیست ولی با این تفاوت که در نظام اسلامی فقط هدف شکوفایی استعداد نیست؛ بلکه شکوفایی استعدادها به سوی هدف مطلوب است و آن هدف مطلوب این است که جایگاه انسان در این جهان مشخص شود و طبق آن شکوفایی استعداد صورت گیرد بدین خاطر است که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ» (سجده/ ۹)؛ «و برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد؛ اما کمتر شکر نعمت‌های او را به‌جا می‌آورید!»

مراد از گوش و چشم ابزاری هستند که انسان به‌وسیله آن‌ها تحصیل علم می‌کند، اگرچه ذائقه، لامسه و شامه نیز ابزار علم هستند، ولی شنیدن، دیدن بر حواس دیگر اهمیت بیشتری دارند و به همین خاطر است که قرآن کریم در چندین جا این ابزارها را اعطای ویژه به انسان شمرده است (مودودی، سید ابوالاعلی، تفسیر تفهیم القرآن: ۴/ ۴۲).

جایگاه این حواس برای انسان بخاطر ابزارهای اساسی است که به وسیله آن‌ها او قابلیت زندگی سالم پیدا می‌کند و هنگامی که او حس می‌کند که این از عنایات الهی است در او اگر مسلمان باشد انگیزه شکر پیدا می‌شود و همان تعلیم و تربیت هدفمند خواهد بود که انسان را به اینجا برساند که او بعد از استفاده از عطیات الهی احساس شکر کند.

تعقل و تفکر، تدبیر و تحلیل، استنباط و استقرا این همه بستگی به شکوفا شدن استعداد انسان دارند. هنگامی که یک فرد مسلمان وارد نظام تعلیم و تربیت می‌شود امید این باید داشت که این نظام همه استعدادها را پرورش دهد تا او از نظر ذهنی دچار بیراهه نشود چون با همین تربیت درست او می‌تواند برای خویش مسیر زندگی را متعین کند (مسلم سجاد، اسلامی ریاست مین نظام تعلیم، ۱۹۹۶: ۴۱).

درباره شکوفایی استعدادها علامه مودودی می‌گوید: «هر انسان بالفطره بااستعدادهایی به دنیا می‌آید و این استعدادها به حالت خام هستند، تعلیم و تربیت آن‌ها را شکوفا کرده در فرد این قابلیت ایجاد می‌کند که زندگی استواری داشته باشد و به‌وسیله همین شکوفایی فرد به مسئولیت‌های زندگی حقیقی پی می‌برد. آینده هر ملتی به نسل جوان آن ملت وابسته است. اگر جوانان بااستعداد نباشند آینده آن ملت تاریک خواهد شد و با تعلیم و تربیت می‌توان استعدادها را جوانان ملت را شکوفا کرد و به آینده آن ملت امیدوار شد.» (مودودی، تعلیمات: ۱۷۱).

۲. پاسخگویی به احتیاجات ملی

در نظام تعلیم و تربیت اسلامی که متعلق به هر کشور یا منطقه باشد به عنوان یک فرد امت اسلامی باید احتیاجات آن دانشجوی مسلمان برآورده شوند، چون هر مسلمان تابع هر کشوری باشد جزو افراد امت اسلامی است و ملیت او ملیت اسلام است، لذا نظام تعلیم و تربیت باید جوابگوی او باشد درباره این مطلب توجه به چند نکته ضروری است:

- مراکز علمی در اولویت اول عامل انتقال فرهنگ اسلامی باشند و اگر برای انتقال این تمدن ابزاری وجود نداشته باشد نهضت علمی را باید از نو شروع کنند (کمیسیون تعلیم و تربیت سال ۱۹۷۰، بخش مقاصد تعلیم به نقل از تناظرات تعلیم: ۱۶).
- فرهنگ، تسلسل و پیوستگی لازم دارد و عهددار این کار مراکز علمی می باشند و با انتقال ارزش ها، مهارت ها و عقاید و افکار، مراکز علمی می توانند این پیوستگی را حفظ کنند.
- درانتقال ارزش های و فرهنگ نظام تعلیم و تربیت می تواند نقش مثبت و منفی هر دو داشته باشد، چون ماهرین تعلیم و تربیت با استفاده از قرآن و سنت ارزش های خیر و شر هر دو را بیان کرده اند و هدف ما بیان کردن خیر و شر نیست؛ بلکه انتقال این تمدن به نسل های بعدی است.
- در عصر حاضر امت اسلام به صورت کشورها و ملیت ها درآمده است و این نتیجه توطئه های دشمنان ماست، لذا ما باید فارق از عصبیت های جاهلی و گروهی یک نظام تعلیم و تربیت ارائه کنیم که هر فرزند امت اسلامی بتواند از فکر ناب اسلامی بهر مند شود (مسلم سجاده، اسلامی ریاست مین نظام تعلیم، ۱۹۹۶: ۴۴).

۳. گسترش فرهنگ اسلامی

سید ابوالاعلی مودودی می نویسد: «یکی از اهداف تعلیم و تربیت این است که به وسیله فرایند تعلیم و تربیت ما افرادی را آماده کنیم که آنان فرهنگ اسلامی را در دنیا معرفی کنند، چون فرهنگ ما دین ماست و ما به وسیله تربیت افرادی که مهتد به دین باشند و پایبند به اصول دینی باشند می توانیم در جوانان مسلمانان امت اسلامی فرهنگ اسلامی را بشناسانیم.» (مقبول احمد، علمی اساسیات علم التعلیم: ۲۰۹).

شاه ولی الله محدث دهلوی نیز درباره همین مطلب می گوید: «طلاب به گونه ای تربیت شوند که از فساد اجتماعی بدور باشند و از این فساد دیگران را ارشاد کرده دور نگه دارند.» (ایس. ایم. اسلامک سستم آف ایجوکیشن، ۲۰۱۲: ۷۵).

سرسید احمد خان نیز در بیانات خویش می گفت: «طلاب مسلمان باید زبان انگلیسی یاد گیرد، ولی در کنار آن معارف اسلامی نیز جزو ضروری طلاب مسلمان باشد.» از یک طرف وی این خواهش را داشت که مسلمانان علوم را بیاموزند که در مغرب رواج دارند و از طرف دیگر نمی خواست آنان سکولار شده و از مذهب دور شوند لذا اهداف تعلیم و تربیت را وی چنین بیان می کرد:

- طلاب باید اکرام و احترام خاصی داشته باشند.



- طلاب به‌گونه‌ای تربیت شوند که انسان لایق جامعه باشند.
- طلاب باید درباره حقوق و فرائض بدانند و استعداد شناخت حقوق خود باشند.
- به‌گونه‌ای طلاب تربیت شوند که از شر و فساد و بدی دور باشند.
- طلاب باید از نظر اخلاقی خوب تربیت شوند تا صداقت، دین داری و صفات حمیده در آنها به‌صورت عادت درآیند (کشور اقبال و دیگران، فلسفه و تاریخ تعلیم: ۱۹۸).
- درباره این گونه طلاب ایشان می‌گفت که باعث انتقال فرهنگ اسلامی به غیرمسلمانان خواهند شد.

۴. استحکام خودی

در نگاه علامه محمد اقبال اهداف تعلیم و تربیت همان اهداف زندگی‌اند؛ یعنی هدف زندگی و تعلیم یکی است، چون به‌وسیله تعلیم و تربیت افراد صالح به‌دست می‌آیند و آنان سبب تشکیل جامعه صالح می‌شوند. اقبال فلسفه خودی و اهداف تعلیم و تربیت را این‌گونه بیان می‌کند که مهم‌ترین هدف تعلیم و تربیت، رشد خودی است و خودی انسان مرکز استعدادهای اوست و تا وقتی که خودی در انسان بیدار نشود، استعدادهای او شکوفا نمی‌شوند؛ و هنگامی که در خودی استحکام حاصل می‌شود فرد لایق خودشناسی می‌شود و برای خداشناسی شرط اساسی خودشناسی است، چون فکر اقبال از خودی شروع شده و به خودی ختم می‌شود و استحکام خودی فرض اولیه تعلیم و تربیت به حساب می‌آید و بدون این عمل تعلیم بیهوده است. برای علامه اقبال در دوران‌های مختلف شخصیت‌هایی به‌عنوان مرد مؤمن مورد میلان بوده‌اند و او در تعلیم و تربیت دنبال یک شخصیت آرمانی بوده است که گاهی وی دنبال افراد نظامی مانند پادشاه مغول اورنگ زیب عالمگیر و تپو سلطان و صلاح‌الدین ایوبی بوده و گاهی افراد دیگر و گاهی به معاصرین توجه کرده و دنبال مصطفی کمال پاشا، رضا شاه پهلوی، امان‌الله خان، نادر شاه و گاهی مرد حر را در قائد اعظم محمدعلی جناح تلاش می‌کند، ولی بعد از یاس از همه این شعر بالا را سروده و قائد اعظم محمدعلی جناح را مرد حر دانسته و جغرافیای کشور پاکستان را به‌عنوان یک کشور اسلامی پیشنهاد کرده است، چون علامه اقبال یکی از اهداف تعلیم و تربیت را تلاش برای پیدا کردن این گونه مردان حر بوده است (قریشی، تعلیم کی بنیادی مباحث، ۱۹۹۸: ۷۵).

او پایبند به ارزش‌های اسلامی بوده و قائل بوده که فقط اسلام تنها دینی است که برای بشر آیین کامل حیات را فراهم آورده چنانکه به آل‌احمد سرور یک نامه‌ای در تاریخ ۱۲ مارس ۱۹۳۷ نوشته که نزد من فاشیزم، کیمونیزم و هر ازمی که در حال حاضر موجوداند هیچ حقیقتی ندارند و فقط اسلام حقیقت واحدی است که سبب نجات انسانیت به‌شمار می‌آید (اقبال، اقبال‌نامه: ۲: ۳۱۴).

۵. انقلاب

یکی از اهداف مهمی که مولانا مودودی در نظام فکری خویش ارائه کرده است، به‌وسیله تعلیم ایجاد انقلاب است، نزد مودودی علم و انقلاب با یکدیگر مشروط‌اند چون علم برای انقلاب زمینه‌سازی می‌کند و برای علم و انقلاب، تعلیم و تربیت بسیار ضروری است. تعلیم و تربیت باید در همه شعبه‌های حیات تغییر و

تحول ایجاد کند تا رهبر خوب، پیروان خوب و هنرمندان خوب به دست آیند که همین تربیت شدگان سبب انقلاب در جامعه می شوند (مودودی، سید ابوالاعلی، تعلیمات: ۱۴۴).

در جای دیگر وی اشاره می کند که یک نظام تعلیم و تربیت معتدل می تواند فرد را از حیث اخلاقی، فکری و اجتماعی برای انقلاب مهیا کند و به وسیله تعلیم و تربیت درست می توان افرادی را تربیت کرد که آنان درباره زندگی و جامعه بصیرت و آگاهی کافی داشته باشند و تعلیم در حقیقت یک نظام تربیت اجتماعی است که در افراد شعور سیاسی و انقلاب اجتماعی ایجاد می کند چون به وسیله تعلیم و تربیت افراد را چگونه زندگی کردن یاد داده می شود و همین تربیت سبب فلاح و رستگاری جامعه می شود (مقبول احمد، علمی اساسیات علم التعلیم: ۲۰۹).

مستندات و بررسی

در قرآن کریم چندین اهداف فردی تعلیم و تربیت را محققان از آیات استخراج کرده اند که ما در این تحقیق به عنوان نمونه چند هدف را بیان خواهیم کرد:

آشنا کردن انسان با پروردگار

یکی از اهداف فردی تعلیم و تربیت که در قرآن کریم برای انسان بیان شده است این است که انسان را با آفریننده خویش آشنا سازد تا رابطه براساس ربوبیت و عبودیت برقرار باشد، درباره همین مطلب در آیه شریفه می خوانیم که: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ» (انبیاء/ ۲۵)؛ «ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که: «معبودی جز من نیست؛ پس تنها مرا پرستش کنید.»

یا در جای دیگر می فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات/ ۵۶)؛ «من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند)!!»

علامه طباطبایی می فرماید: و جمله (الا ليعبدون) استثنائی است از نفی و شکی نیست که این استثناء ظهور در این دارد که خلقت بدون غرض نبوده و غرض از آن منحصرأ عبادت بوده؛ یعنی غرض این بوده که خلق، عابد خدا باشند، نه اینکه او معبود خلق باشد، چون فرموده (الا ليعبدون) یعنی: تا آنکه مرا پرستند و نفرموده: تا من پرستش شوم یا تا من معبودشان باشم. علاوه بر این، غرض هرچه باشد پیدا است امری است که صاحب غرض به وسیله آن استکمال می کند و حاجتش را برمی آورد، درحالی که خدای سبحان از هیچ جهت نقص و حاجتی ندارد. تا به وسیله آن غرض نقص خود را جبران نماید و حاجت خود را تاءمین کند؛ و نیز از جهتی دیگر فعلی که بالاخره منتهی به غرضی که عاید فاعلش نشود لغو و سفیهانه است، لذا نتیجه می گیریم که خدای سبحان در کارهایی که می کند غرضی دارد؛ اما غرضش ذات خودش است، نه چیزی که خارج از ذاتش باشد و کاری که می کند از آن کار سود و غرضی در نظر دارد، ولی نه سودی که عاید خودش گردد؛ بلکه سودی که عاید فعلش شود. اینجاست که می گوییم خدای تعالی انسان را آفرید تا پاداش دهد و معلوم است که ثواب و پاداش عاید انسان می شود و این انسان است که از



آن پاداش منتفع و بهره‌مند می‌گردد، نه خود خدا، زیرا خدای عزوجلّ بی‌نیاز از آن است؛ و اما غرضش از ثواب دادن خود ذات متعالیش است. انسان را بدین جهت خلق کرد تا پاداش دهد و بدین جهت پاداش دهد که الله است (طباطبایی، تفسیر المیزان: ۱۸/ ۴۰۲).

پس پاداش کمالی است برای فعل خدا، نه برای فاعل فعل که خود خدا است، پس عبادت غرض از خلقت انسان است و کمالی است که عاید انسان می‌شود، هم عبادت غرض است و هم توابع آنکه رحمت و مغفرت و غیره باشد؛ و اگر برای عبادت غرضی از قبیل معرفت در کار باشد، معرفتی که از راه عبادت و خلوص در آن حاصل می‌شود در حقیقت غرض اقصی و بالاتر است و عبادت غرض متوسط است (همان).
«عن ابی بصیر قال: سألت أبا عبد الله (ع) عن قوله عزوجلّ: «و ما خلقت الجنّ و الإنس إلاّ ليعبدون» قال خلقتهم لیأمرهم بالعبادة؛ ابی بصیر می‌گوید: از امام صادق (ع) درباره سخن خدای عزوجلّ: «و ما خلقت الجنّ و الإنس إلاّ ليعبدون» سؤال نمودم، فرمود: خداوند آنان را آفرید تا آنها را به عبادت فرمان دهد» (عروسی‌حویزی، نورالثقلین، ۱۴۱۵: ۵/ ۱۳۲).

پس یکی از اهداف تعلیم و تربیت انسان آشنا ساختن وی به رب خویش است که این هدف غایی انسان نیست، ولی می‌توان گفت یکی از اهداف میانی حتماً هست. هنگامی که انسان به پروردگار خودش معرفت پیدا کرد او را به‌عنوان منعم عبادت نیز خواهد کرد.

اهداف اجتماعی

اهداف اجتماعی در نظام تعلیم و تربیت رسمی پاکستان

۱. قیادت و رهبری

هنگامی که اهداف اجتماعی را در نظام تعلیم و تربیت رسمی پاکستان جستجو می‌کنیم در سند کمیسیون ملی آمده است: «تعلیم ملت را منصب امامت دنیا اعطا می‌کند و بر اساس علم گاهی مصر، گاهی یونان، گاهی اسلام و گاهی مغرب امام دنیا قرار می‌گیرد و به‌خاطر زوال علم، امامت از یک قوم و ملت گرفته می‌شود و به ملت دیگری داده می‌شود (کمیسیون ملی ۱۹۵۹، مقاصد تعلیم، به نقل از پاکستان مین تعلیم: ۱۵۰). این اتفاقی نیست؛ بلکه ضابطه دارد و این امامت همیشه با علم بوده است. خلافت بر زمین که به انسان داده شده است به‌خاطر علم بود و مسئولیت تعلیم و تربیت این است که ملت را به منصب امامت دنیا برساند و تعلیم و تربیت آن راهی منحصر است که به‌وسیله آن امت اسلام در دنیا مقام والای و ممتاز را کسب کند و مبنای این مقام والا خود شناسی و اطاعت خداوندی است. و هرگاه دیدید که تعلیم و تربیت ملتی را به منصب امامت دنیا نه رسانده یا برای رساندن یاری نکرده حتماً در مبنای آن نقص و کمبودی وجود داشته است (مقبول احمد، علمی اساسیات علم التعلیم: ۲۰۸).

سرسید احمد خان درباره همین هدف اجتماعی تعلیم و تربیت می‌گوید: «مسلمانان باید بعنوان یک ملت ائتلافی داشته باشند که در آن اجتماع کرده مسائل ملی و اجتماعی را غور و فکر کنند و جایگاه تشخیص ملی را احیا کنند. مسلمانان ساکن در شبه قاره هند باید از مناطق مختلف یک جا جمع شوند و وحدت و انسجام را

هدف اصلی قراردهند چنانچه همه دیدید که کالج علیگره این وظیفه را به خوبی انجام داده است.» (مسز حسن آرا ظفرو دیگران، فلسفه و تاریخ تعلیم، ۲۰۱۰: ۱۹۸).

این حرف‌های سرسید احمد خان باعث شد که نهضت تشکیل پاکستان آغاز شد و نظریه دو قوم مستقل که علامه محمد اقبال آنرا معرفی کرده شکل گرفت.

شاه ولی الله محدث دهلوی نیز درباره این هدف تعلیم و تربیت اجتماعی می‌گوید: «نظام تعلیم و تربیت باید در طلاب به گونه‌ای شعور و آگاهی ایجاد کند که آنان روابط بین الملل را به خوبی درک کنند و بالاتر از تعصبات رنگ، زبان، نسل و غیره فکر و کارایی داشته باشند و در طلاب استعدادی ایجاد شود که آنان دنبال تسخیر جهان باشند.» (ایس. ایم. تناظرات تعلیم، ۲۰۱۲: ۲۹۷).

علامه محمد اقبال نیز ذیل عنوان «تعمیر خودی اجتماعی» مطالبی را ذکر کرده است که ماحصل آن عبارت است: اقبال یک تصور خودی دارد و یک بی خودی با اجتماعیت، یعنی اجتماعی. خودی که تصور تعمیر این خودی هم اسلامی است و نزد وی فرد و جماعت با وجود جایگاه‌های جداگانه برای یکدیگر لازم و ملزوم هستند و بدون جماعت، شخصیت فرد تکمیل نمی‌شود و بدون افراد وجود جماعت پابرجا نخواهد ماند. ایشان می‌گویند اگر در جامعه‌ای فرد با جماعت نمی‌تواند هماهنگ شود او نمی‌تواند همه استعدادهای خویش را شکوفا سازد، چون افراد محو می‌شوند، ولی ملت باقی می‌ماند. لذا تعمیر و حفاظت خودی ملی بسیار ضروری است. عواطف اجتماعی، تجربیات، رسومات پیوسته از یک نسل به نسل دیگری منتقل می‌شوند، لذا نظام تعلیم و تربیت یک وظیفه و هدف مهمی که دارد این است که فرد را به جماعت پیوندد و انسان باپیوستن به آیین ملت و عمل کردن طبق آن می‌تواند به اعلی‌ترین مرتبه انسانیت برسد و این هدف به قدری عظمت دارد که حتی می‌توان برای آن جان را فدا کرد و تاوقتی که فرد خود را با ملت پیوسته نکرده و هدف زندگی را به وسیله ارتقای ذات خویش کامل نکرده نمی‌تواند در جهان قله‌های شعور و آگاهی را سر کند (ناسخ، فلسفه تعلیم: ۳۰۲).

با توجه به بیانات دانشمندان طراز اول شبه‌قاره هند و کسانی که در تشکیل نظام تعلیم و تربیت رسمی پاکستان به عنوان نظریه پرداز مطرح هستند می‌توان نتیجه گرفت که این هدف تعلیم و تربیت نیز تا حد زیادی با آموزه‌های قرآنی هماهنگ است و لااقل هیچ مخالفتی ندارد.

۲. پیشرفت اقتصادی

بنیانگذار کشور پاکستان در پیامی برای اولین کمیسیون ملی تعلیم و تربیت چنین گفت: «هدف تعلیم و تربیت فقط خواندن کتاب نیست؛ بلکه مردم باید برای پیشرفت علوم جدید و فنون حرفه‌ای تلاش کنند تا فارغ التحصیلان بتوانند در صنعت و تجارت نقش ایفا کرده، کشور را در پیشرفت اقتصادی یاری کنند.» (کمیسیون تعلیم و تربیت سال ۱۹۴۷، بخش مقاصد تعلیم، به نقل از کتاب پاکستان مین تعلیم: ۱۴۴).

۳. اتحاد ملی و استحکام آن

یکی از اهداف مهم تعلیم و تربیت نظام رسمی پاکستان سعی و تلاش برای ریشه کنی تعصبات گروهی و



منطقه‌ای است و کوشش برای ایجاد وحدت ملی و استحکام آن است و این کار یکی از اهداف اصلی نظام تعلیم و تربیت تعریف شده است (کمسیون تعلیم و تربیت سال ۱۹۴۷، بخش مقاصد تعلیم، به نقل از پاکستان مین اعلی تعلیم: ۵۵. کمسیون ملی ۱۹۵۹: ۱۵۱).

۴. ریشه‌کن کردن بیسوادی از کشور

یکی دیگر از اهداف مهم اجتماعی که در اسناد اولیه ذکر شده است و به آن تأکید فراوان از طرف بنیانگذاران کشور صورت گرفته ریشه‌کنی بیسوادی از کشور است، در سند کمسیون ملی ۱۹۴۷ چنین آمده است: «وظیفه دولت است که برای ریشه‌کن کردن بیسوادی، آموزش همگانی و مجانی را اهتمام ورزد، چون برای تربیت اولیه دموکراسی این قدم اول است و بدون ریشه‌کن کردن بیسوادی نمی‌توان کشور را به آرامش و استحکام رساند (کمسیون تعلیم و تربیت سال ۱۹۴۷، بخش مقاصد تعلیم، به نقل از فلسفه و تاریخ تعلیم: ۵۳).

۵. آگاهی از میراث ملی

از اهداف اجتماعی نظام رسمی تعلیم و تربیت پاکستان آگاهی از میراث ملی کشور است، مراد از میراث ملی یعنی آشنایی از مبانی نهضت استقلال پاکستان، تاریخ و فرهنگ کشور و میراث ملی بصورت عمومی که در سند ملی ۱۹۷۸ چنین آمده است: «به‌وسیله تعلیم و تربیت شهروندی تربیت شود که از اهداف نهضت قیام و استقلال کشور پاکستان آگاهی داشته باشد تا بتواند از مرزهای نظری کشور دفاع کند و همین‌طور بتواند از تاریخ و فرهنگ کشور و میراث آن نگهداری کند (کمسیون ملی تعلیم و تربیت سال ۱۹۷۸، بخش مقاصد تعلیم، به نقل از پاکستان مین تعلیم: ۱۷۹).

نتیجه

مباحثی که تا اینجا ذکر شده است در بیان این سعی شده اول اهدافی که در منابع نظام تعلیم و تربیت رسمی پاکستان جستجو کرده، انطباق آن را با اهداف قرآن کریم سنجیده شود، ولی با توجه به اینکه قرآن کریم بیشتر کلیات موضوعات را بیان می‌کند و وارد جزئیات نمی‌شود، لذا اهداف جزئی نظام تعلیم و تربیت رسمی پاکستان را نمی‌توان با آیات قرآنی مقایسه کرد و انطباق و انحراف آنرا تحلیل کرد. پس اهداف جزئی این نظام از نگاه دانشمندان مختلف ذکر شد، ولی مقایسه‌ای با آیات قرآنی صورت نگرفت.

دانشمندان مختلف شبه‌قاره هند از نگاه‌های متعددی اهداف تعلیم و تربیت را موردبررسی قرار داده‌اند که بیشتر آنان درصدد تحول در جامعه به‌وسیله نظام تعلیم و تربیت بوده‌اند؛ چنانکه در بیانات علامه اقبال، سرسید احمد خان و شاه ولی‌الله محدث دهلوی و مولانا مودودی ملاحظه شد، ولی این نظریه‌پردازان در چه حد موفق بوده‌اند این مطلب نیاز به ارزیابی بیشتری دارد.

کسانی که قبل از تشکیل پاکستان برای نظام تعلیم و تربیت اسلامی، نظریه‌پردازی می‌کردند آنان مسلمانان را به‌عنوان یک ملتی در کنار هندوان در نظر گرفته و دصدد تعلیم و تربیت آنان ایده می‌دادند، ولی علامه اقبال و مولانا مودودی نظر مختلفی دارند و این دو نفر نظام تعلیم و تربیتی را بیشتر مورد تحقیق قرار دادند که در یک

کشور مستقل اسلامی باید اجرا شود. لذا بیانات و اهداف تعلیم و تربیت نیز باید با این تحلیل مورد ارزیابی قرار گیرند. علامه محمد اقبال که خود یکی از افراد شاخص و نظریه پردازان کشوری مستقل به نام پاکستان و گسترش دهنده دو قومی نظریه است (یعنی هندو و مسلمانان دو قوم مستقل اند و فرهنگ و دین آنان نیز جدای از هم است)؛ لذا مسلمانان باید در یک کشور مستقل طبق آیین خودشان زندگی کنند و نظام تعلیم و تربیت و اهدافی که علامه محمد اقبال و مولانا مودودی بیان می کنند تا حدودی منعکس شده است.



منابع:

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعه المصطفی، انتشارات بین‌المللی المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، تصحیح: صبحی صالح، هجرت، قم: ۱۴۱۴ ق.
۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، دارالقلم، دمشق: ۱۹۹۲.
۴. اصلاحی، امین احسن، فلسفه کی بنیادی مسائل، فاران فاوندیشن، چاپ دوم، لاهور: ۱۹۹۷.
۵. اعرافی، علیرضا، فقه تربیتی (مبانی و پیش فرض‌ها)، تحقیق و نگارش سید نقی موسوی، موسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان، قم، ۱۳۹۱.
۶. این این لا، پاک وهند مین تعلیمی ترقی، مترجم: سید احسن مارهروی، کراچی: آل پاکستان ایجوکیشنل کانفرنس، ۱۹۷۲.
۷. ایس ایم شاهد، اسلامک سیستم آف ایجوکیشن، مجید بک دیو، لاهور: ۲۰۱۲.
۸. ایس ایم شاهد، ایجوکیشن ان پاکستان، مجید بک دیو، لاهور: ۲۰۱۲.
۹. ایس ایم شاهد، تعلیم کی بنیادین، مجید بک دیو، لاهور: ۲۰۱۲.
۱۰. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، موسسه نشر و تحقیقات ذکر، تهران: چاپ چهارم، ۱۳۸۰.
۱۱. سجاد، مسلم، اسلامی ریاست مین نظام تعلیم، انستیتیوت آف پالیسی استدی، چاپ سوم، اسلام آباد: ۱۹۹۶.
۱۲. حجتی، سیدمحمدباقر، اسلام و تعلیم و تربیت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران: ۱۳۸۵.
۱۳. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، مصحح: رسولی، هاشم انتشارات اسماعیلیان، قم: ۱۴۱۵ ه.ق.
۱۴. عقیله ظهور، علم التعلیم، مجید بک دیو، لاهور: بی‌تا.
۱۵. عمید، حسن، فرهنگ عمید، انتشارات امیرکبیر، تهران: چاپ هشتم ۱۳۷۱.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، هجرت، قم: بی‌تا.
۱۷. قریشی، وحید، تعلیم کی بنیادی مباحث، انستیتیوت آف پالیسی استدی، اسلام آباد: ۱۹۹۸.
۱۸. قلقشندی، احمد بن علی، صبح الاعشی فی صناعة الانشاء، دارالکتب العلمیه، بیروت: بی‌تا.
۱۹. گروه نویسندگان زیر نظر آیت‌الله محمدتقی مصباح‌یزدی، تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، قم: موسسه امام خمینی، ۱۳۸۸.
۲۰. مسز حسن آرا ظفر و دیگران، فلسفه و تاریخ تعلیم، مجید بک دیو، لاهور: ۲۰۱۰.

References

۱. The Holy Quran ,Translation of the Quran, Rezaei Isfahani, Mohammad Ali et al., The first group translation of the Holy Quran, Qom: Dar al-Dhikr, ۲۰۰۵.
۲. Sharif Razi, Mohammad bin Hossein, Nahj al-Balaghah, Researched and Edited: Sobhi Saleh, Hijrat Publications, Qom: ۱۴۱۴ A.H.
۳. A'rafi, Alireza, Educational Jurisprudence (Foundations and Presuppositions), Researched and Compiled; Edited by Seyyed Naqi Mousavi, Ishraq and Irfan Cultural Institute, Qom, ۲۰۱۲, Second Edition.
۴. Abbasi, Deen Mohammad, New History of Och, Department of Saints Education, Och Sharif, Pakistan, n.d.
۵. Al-Arusi Hawizi, Abd Ali bin Juma, Tafsir Noor al-Saqlain, Edited by Rasouli, Hashim, Ismailian Publications, Qom, Iran, ۱۴۱۵ A.H.
۶. Ali Shirvani Harandi, Summary of Ethics in the Quran, Qom, Dar al-Fakr, ۱۹۹۸.
۷. al-Tureihi; Fakhr al-Din, Majma' al-Bahrain Al-Mortazawia Publications, Tehran, ۱۹۹۶.
۸. Amid, Hassan, Amid's Dictionary, Amir Kabir Publications, Tehran, ۸th Edition ۱۹۹۶.
۹. Aqeela Zahor, Teaching Education, Majeed Back Depot, n.d., Lahore, Pakistan.
۱۰. Arabia Islamia West Pakistan, Lyallpur, Chishtiyya Trust Society, ۱۹۶۰.
۱۱. Babar, Zaheeruddin Mohammad, Tuzuk e Babri (Babarnama), Translator: Mirza Naseeruddin Haider, Karachi, Book Land, ۱۹۶۶.
۱۲. Badayoni, Abdul Qadir, Selected of al-Tawarikh, Translator: Abdul Hayy Alvi, Lahore, Sheikh Ghulam Ali and Sons.
۱۳. Bahrani, Seyyedhashim, Al-Burhan fi Tafsir al-Quran, Published by Mahmoud bin Jafar Mousavi Zarandi, Tehran, ۱۹۵۵.
۱۴. Balaghat, Seyyed Reza, Democracy of Education and Training, Publications of the Research School of Education and Training, First Edition, ۲۰۰۱.
۱۵. Batalvi, Munshi Subhan Raiy, Khulasah al-Tawarikh, Translator: Seyyed Nazir Hassan Zaidi, Lahore, Central Urdu Board, ۱۹۷۶.
۱۶. Beheshti, Mohammad, Foundations of Education from the Viewpoint of the Quran, Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization, Tehran, ۲۰۰۸, First Edition
۱۷. Bukhari, Maqsood al-Hassan, Educational Statistics of Issues, Frontier Post Publications,



- Lahore, 1st Edition, ۱۹۹۳.
۱۸. Department of Educational Sciences, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Collection of Educational Articles, Qom, Imam Khomeini Institute; , ۲۰۰۹, First.
 ۱۹. Farahidi, Khalil bin Ahmad, Al-Ain, Qom, Hijrat, n.d.
 ۲۰. Farhang Ma'asir Hazara, Ali Mohammad Haqshinas, Hossein Samei and Narges Intikhabi, Farhang Ma'asir Publications, ۲۰۰۱.
 ۲۱. Farid, Mohammad Sadiq. Basics of Anthropology. Tehran: Asr Naw, ۱۹۹۷.
 ۲۲. Firishte, Mohammad Qasim, Tarikh Ferishte, Translator: Abdul Hayy, Lahore, Ghulam Ali and Sans, n.d.
 ۲۳. Gouraha, Dr. Mushtaq Ahmad, Education Correspondence, Allama Iqbal Open University Islamabad, ۲nd Edition, ۲۰۱۲, Islamabad, Pakistan.
 ۲۴. Hafiz Nazr Ahmad, Review of Arabic Seminaries of West-Pakistan, Muslim Academy Lahore, First Edition, ۱۹۶۰.
 ۲۵. I'sani, Dr. Usman Ali and Dr. Mohammad Latif Work, Higher Education in Pakistan, Moqtadira Qoumi Language, First Edition, ۲۰۰۵, Islamabad, Pakistan.
 ۲۶. Isfahani, Raghib, The Words of the Quran, Research: Safwan Adnan Davoodi, Dar al-Qalam, Damascus, ۱۹۹۲, First Edition.
 ۲۷. Islahi, Amin Ahsan, Philosophy of the Fundamentals of Problems, Faran Foundation, Second Edition, ۱۹۹۷, Lahore, Pakistan.
 ۲۸. Javadi Amoli, Abdullah, Interpretation of Mankind by Mankind, Esra Publishing Center, Qom, 1st Edition, ۲۰۰۵.
 ۲۹. Javadi Amoli, Abdullah, The Real Life of Man in the Quran, Esra Publishing Center, Qom, ۱۹۹۹.
 ۳۰. Kanhayalal, History of Punjab, Book Talk, First Edition, ۲۰۰۶, Lahore, Pakistan.
 ۳۱. Khomeini, Ruhollah, Tafsir and Quranic Evidences, Imam Khomeini Organization and Publishing Institute, Tehran, Iran, ۲۰۰۳, First Edition.
 ۳۲. Khosrow Baqiri, A Noven Glimpse at Islamic Education, Tehran, Madrasah, ۲۰۰۶, ۱۳th.
 ۳۳. Kishwar Iqbal and Mohammad Mirza, Miss Hassan Arazafar, Philosophy and History of Education, Majeed Back Depot, First Edition, ۲۰۱۰, Lahore, Pakistan.
 ۳۴. Kulayni, Mohammad Yaqub, Usul Kafi, Translated by Qumaei, Mohammad Baqir, Uswah,

- Qom, Iran, ۱۹۹۶.
۳۵. Kusambi, D.D., Ancient India (History and Background Culture), Translator: Balamkand Arash Miliani, Printline Publishers, Lahore, Second Edition, ۱۹۹۹.
 ۳۶. Mrs. Hassan Ara Zafar et al., Philosophy and History of Education, Majid Book Depot, ۲۰۱۰, First Edition, Lahore.
 ۳۷. Mubarak Puri, Qazi Athar, Arabic Governments in Hindustan, Karachi, Arifin Publications, ۱۹۶۷.
 ۳۸. Muhammad Iqbal, Discourses of Iqbal, Sangmil Publications, Lahore, n.d.
 ۳۹. N. N. Law, Pakistan and India, Educational Development, Translator: Seyyed Ahsan Marharavi, Karachi, All Pakistan Educational Conference, ۱۹۷۲.
 ۴۰. Qadiri, Tahir, Islamic Tarbiati Nisab, Minhaj al-Quran, Lahore, ۶th Edition, ۲۰۰۲.
 ۴۱. Qadiri, Tahir, Teachings of Islam, Minhaj al-Quran, Lahore, First Edition, ۲۰۰۱.
 ۴۲. Qalqashandi, Ahmad bin Ali, Sobh al-Asha fi Sana'ah al-Insha, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut, Lebanon, n.d.
 ۴۳. Qureshi, Waheed, Fundamental Discussion of Education, Institute of Policy Studies, First Edition, ۱۹۹۸, Islamabad, Pakistan.
 ۴۴. Rahmani, Dr. Anjum, Education in Pakistan, Pakistan Reuters Cooperative Society, First Edition, ۲۰۰۶, Lahore, Pakistan.
 ۴۵. Rajabi, Mahmoud, Anthropology, Qom, Publications of Imam Khomeini Educational and Research Institute, First Edition, ۲۰۰۰.
 ۴۶. S.M. Shahid, Education in Pakistan, Majid Back Depot, First Edition, ۲۰۱۲, Lahore, Pakistan.
 ۴۷. S.M. Shahid, Foundations of Education, Majid Back Depot, First Edition, ۲۰۱۲, Lahore, Pakistan.
 ۴۸. S.M. Shahid, Islamic System of Education, Majid Back Depot, First Edition, ۲۰۱۲, Lahore, Pakistan.
 ۴۹. Saeed Ahmad Rafiq, Muslims' Educational Sysmtem. All Pakistan Educational Conference, Karachi, ۱۹۸۲, Third Edition.
 ۵۰. Saeed ul Haq, Mohammad, from Muhammad bin Qasim to Aurangzeb, Shahid Book Depot, Lahore, n.d.



۵۱. Safdar Mahmood, Constitution of Pakistan, Jang Publishers, ۴th Edition, ۱۹۹۶, Lahore, Pakistan.
۵۲. Sajjad, Muslim, Education System in Islamic State, Institute of Policy Studies, ۱۹۹۶, Third Edition, Islamabad, Pakistan.
۵۳. Seyyed Mohammad Baqir Hojjati, Islam and Education, Tehran, Islamic Culture Publishing House, ۲۰۰۶.
۵۴. Shariat Madari, Principles of Education and Training, Amir Kabir Publications, ۲۰۱۵, ۶۳rd Edition.
۵۵. Shariat madari, Society and Education, Amir Kabir Publishing House, Tehran, Iran, ۲۰۰۲.
۵۶. Shokohi, Ghulamhossein, Basics and Principles of Education, Astan Quds Razavi Publications, ۲۰۱۲, Qom, ۳rd Edition.
۵۷. Shujauddin, Cultural History, Noqosh, Lahore Number, Lahore, Pakistan.
۵۸. Tavakkoli, Abdullah; The Principles and Basics of Management, Qom: Zamzam Hedayat Publications.
۵۹. Tehrani, Mustafa Delshad, A Journey in Islamic Education, Zikr Publishing and Research Institute, Tehran, ۴th Edition, ۲۰۱۰.
۶۰. Writers Group, Collection of Articles of the ۲۷th International Quran Competition, Uswah Publications, Tehran, Iran, ۲۰۱۱, First Edition.
۶۱. Writers Group, Religious Education in Contemporary Islamic Society, Qom, Imam Khomeini Institute; ۲۰۰۹, First.